

سام چه می ایران

استقرار حاکمیت ملی

هدف جبهه ملی ایران است

شماره

۱۷۲

تشریف داخلى تهران بیست و هشتم دی ماه ۱۳۸۷ خورشیدی شماره ۱۷۲

بنام خداوند چاز و خرد

خشونت، تروریسم و جنایت جنگی محکوم است

آنچه اکنون در غزه می‌گذرد از چشم انداز اخلاق انسانی و حقوق بشری و حتى اخلاق جنگ، فاجعه‌ای دهشتناک است. در این حمله بی‌رحمانه شهروندان غیرنظامی و بی‌دفاع فلسطینی بویژه کودکان و زنان قربانیان عمدۀ راتشکیل میدهند و ساختمانهای بیمارستان و مدرسه و مسکونی به ویرانی کشیده می‌شوند. این نخستین بار نیست که کتوانسیونهای بین‌المللی بویژه کتوانسیونهای ژنو و پرتکل الحاقی، در منع هدف قرار دادن تاسیسات غیرنظامی توسط طرف‌های درگیر نادیده گرفته می‌شوند. شوربختانه اقدامات بازدارنده‌ای را هم از سوی نهادهای بین‌المللی و کشورهای غربی و منطقه‌ای بعلت ملاحظات سیاسی آچجتان که باید شاهد نیستیم، فراموش نکنیم که این‌گونه اقدامات نظامی بی‌رحمانه آتش کینه وانتقام‌جوئی را بیشتر شعله ور می‌سازد و موجب بسترسازی افراط و خشونت‌های بیشتر خواهد شد.

محاصره غزه توسط نیروهای اسرائیل و در تنگنا قراردادن مردم بی‌پناه فلسطین، نداشتن دسترسی به ابتدائی ترین نیازهای روزمره، نبود امکانات درمانی لازم، و جلوگیری از گمکه‌های بشردوستانه بین‌المللی به مردم محاصره شده فلسطین بهمیچو جه قابل قبول نیست. حمله هوایی هولناک و وحشیانه اسرائیل به غزه همراه با حمله زمینی بی‌رحمانه روند زندگی را در غزه بکلی متوقف کرده است مزید بر ظلم فاحش و قربانیان بی‌گناه بسیار شده است و احساسات عمومی جهانیان راچنان جریحه دار کرده که عملکرد ستیزندگان فلسطینی را که بهانه این حمله‌ها بوده در سایه برده است.

جبهه ملی ایران این حمله ستمگرانه و غیر انسانی و نامتعادل هوایی را محکوم می‌کند و امیدوار است گروه حماس به رهمنمایی عقلانیت اختلاف خود را با دولت خودگردان فلسطین کنارگذاشته دست دردست هم نهاده ادامه در صفحه ۲

سخنی در مورد انتخابات

کلمه انتخابات در ساختار جمهوری اسلامی معنی و مفهوم واقعی خود را از دست داده و به واژه‌ای بی‌محتوى و عنوانی بدون مصدق تبدیل شده است. در اوضاع واحوال موجود ایران صرف نظر از اینکه پیش شرط‌های لازم برای انجام یک انتخابات واقعی مانند آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و آزادی احزاب محقق نیست آزادی کاندیداشن برای هر یک از افراد ملت ایران نیز قابل تصور نمی‌باشد و این فقط شورای نگهبان انتصاب شده از طرف حاکمیت است که باید جازه دهند تا فردی بتواند بعنوان کاندیداً پایبر صحنه انتخابات بگذارد. و بدیهی است که این شورای انتصابی هم با استفاده از حریه نظارت است تصویبی به احدی جز وابستگان و سرسپردگان به حاکمیت امکان حضور در انتخابات را نمیدهد نتیجه آنکه مردم در روز به اصطلاح انتخابات با لیستی ازو باستگان به حاکمیت جمهوری اسلامی رو برو هستند که ناگزیرند فقط از میان آنان به یک نفر رای بدeneند. از شخصیت‌های ملی و آزادیخواه، از متخصصین میهن دوست و از دگراندیشان کسی در صحنه نیست و برای ملت ایران تهدید و راه باقی می‌ماند یا باید در پای صندوق چنین انتخاباتی حضور نیابد و یا بی‌اعتنایی به آن عدم قبول چنین انتخاباتی را به جهانیان نشان دهد و یا اگر بنا بر ملاحظاتی که بر همگان روشن است احساس کرد که نیاز به ممهور شدن شناسنامه خود به مهر انتخابات دارد فقط باید به یکی از عوامل حاکمیت رای بدهد البته تعداد زیاد آرای سفید و باطله نیز اجبار به رای دادن و نیاز به مهر خود را نشان دهد. شناسنامه هارانشان میدهد. به حال راه سومی برایش متصور نیست. در انتخابات‌های گذشته به دلایلی که ذکر آن رفت انتخابات غیر دموکراتیک و ناعادلانه و در محدوده خودی‌های حاکمیت بود ولی در انتخابات نهم ریاست جمهوری علاوه بر عدم رعایت موازین دموکراسی عدم سلامت انتخابات را نیز بیش از پیش شاهد بودیم تا آنچه که شخصیت‌های کلیدی درون حاکمیت هم از ناسالمی آن فریادشان بلند شد و گفتند که ناچارند از این ناپاکاریها شکایت به درگاه خدا برند و بس. اکنون دولت نهم به پایان دوره خود نزدیک می‌شود و انتخابات جدیدی ظاهرا به همان شیوه‌ها و ترندگانه شناخته شده قبلي در پیش روس است. دولت نهم با شعارهای نامعقول و نسنجیده و تنش آفرین از لحاظ سیاست خارجی و بین‌المللی چهار سال کشور را معطل نموده و چه بسا مخاطراتی را نیز برای کیان ملی ما فراهم نموده است و با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نادرست برخلاف شعار آوردن پول نفت بر سر سفره مردم فرمی قسمت‌های بسیار بیشتری از جامعه را به زیر خط ققرکشانده و تورم و گرانی و فقر و بیعدالتی روزافزونی را به این ملت تحمیل نموده است تا جایی که بخش هایی از درون حاکمیت و حتی مجلس ساخته و پرداخته حکومت فریاد اغترابشان نسبت به عملکرد این دولت بلند شده است ولی با این حال هنوز مقامات بالای این نظام به فکر حمایت و ابقاء چنین دولتی با چنین دستاوردهایی هستند. از طرف دیگر جناح معروف به اصلاح طلبان درون حاکمیت با کارنامه پراز فرصل سوزیهای گذشته نه از انسجام و وحدت نظر لازم برخوردار است و نه جلسات ضروری جهت انتقاد از وضع ناسامان موجود را دارونه شجاعت تاختن پر شور به میدان انتخابات که به هر حال امکان آن برای آنان فراهم است در آنها دیده می‌شود. ضمناً باین نکته مهم نیز توجه ندارند که مجموعه حاکمیت که از همه لحاظ بهین بست رسیده ناگزیر است تا بار دیگر به آمدن آنان به صحنه تن در دهد. یکی از چهره‌های اصلاح طلب که شانس بیشتر و فرصتی فزون تر برای ورود به عرصه انتخابات را دارد را نظار چرا غ سیز میزان مقامات کلیدی نظام است و متوجه نیست که او نیاز به موافقت کسی ندارد و این کل حاکمیت است که نیازمند اوست زیرا که در شرایط داخلی و بین‌المللی موجود جایگزین دیگری در اختیارش نیست. آیا این اصلاح طلبان حکومتی و اعقاقدارند که از فرصل تاریخی که در اختیار آنان است درجهت نجات و ثبات کشور بهره بگیرند؟ و آیا اراده آن را دارند که آغازگر تغییرات بنیادی درجهت برقراری فضایی قابل تحمل و قابل قبول برای ملت ایران باشند؟ جبهه ملی ایران فضای سیاسی کشور را به دقت زیر نظر دارد و در زمان لازم نظر خود را در مورد انتخابات پیش رو رسمای به اطلاع ملت شرافتمند ایران خواهد رسانید.

برندۀ جایزه صلح نوبل و مدارفع حقوق بشر در ایران تضمین شود. جمههۀ ملی ایران نیز به این اقدام علیه حقوق بشریه شد اعتراف میکنند و آنرا گامی در راستای خودکامگی حاکمیت میداند ولی جمهوری اسلامی همچنان به نقض آشکار حقوق بشر ادامه میدهد.

دانشجویان دانشگاه‌ها هر روز و هر ساعت در مععرض

شاره‌هستند روزی در تهران و روز دیگر در شهریار و کردستان. روزنامه کارگزاران که انتشاردهنده نظریات جناحی از حاکمیت است نیز از توافق مصون نمیماند و بعلت انتشار اعلاه می‌ای از سوی دفتر دانشجویان تحکیم وحدت درباره غزه منعو الانتشار می‌شود و مقامات امنیتی بسرعت حکم برگیر قانونی بودن این گروه شناخته شده دانشجویی میدند. در روزهایی که گذشت دانشگاه‌ها در ایجاد منوعیت تحصیلی وصولاً حاکم انصباطی و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی و شناخته شده اند. در دانشگاه‌ها و صنفی دانشجویان بسیار فعال تر شده اند. در دانشگاه‌ها توطئه‌هایی برای برانگیختن گروهی علیه گروه دیگر در شرف انجام است تا دانشجویان به مقابله با استبداد پردازند و بسوی برخوردهای لفظی و فیزیکی جهت حذف یکدیگر برآیند. اگر محدودی در این دام گرفتار آمده‌اند ولی اکثریت دانشجویان آگاه دانشگاه‌ها از آنچه که خواست ملت ایران است و آن مبارزه‌بی امان برای کسب آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر است حمایت می‌کنند. دانشجویان اجازه نخواهند داد تا مخالفین جنبش دانشجویی با ایجاد تفرقه در میان دانشجویان این نیروی عظیم را از هدف بازدارند. باشد که دانشجویان در پیچ و خم های آفریده شده برای آنان گرفتار نیایند و راه مشترک خود را که استقرار دموکراسی و آزادی و مبارزه ضد استبدادیست هماهنگ و استوار ادامه دهند. در سرزمینی که کارگران، دانشجویان و فرهیختگان آن از نبود آزادی رنج می‌برند، مبارزه آزادیخواهانه برای تحقق آزادیهای اجتماعی و فردی نخستین و مهمترین گام برای تأمین سعادت مردم است.

زندان را می‌گذراند و در ماه گذشته نایب رئیس هیئت مدیره سندیکای اتوپوس رانی آقای ابراهیم مددی نیز بازداشت شد. در حالیکه سندیکاهای کارگری جنبه صنفی دارند حکومت وجود آنها را تاب نمی‌آورد. در جای دیگر مجامع مدافع حقوق بشر را که در همه جای جهان معمولاً گروههای مستقل هستند ولی در ایران تحمل نمی‌شوند که نمونه آن هجوم به محل مدافعان حقوق بشر است که ماموران به این محل یورش می‌برند، حاضران را با تهدید و توهین بیرون می‌کنند و درهای این محل را قفل می‌کنند. چند روز بعد به بانه امور مالیاتی که از رژیم گذشته پیوسته بهانه‌ای برای توافق و ایجاد مراجحت بوده بدفتر و کالت خانم شیرین عبادی می‌روند بدون اینکه کوچکترین اختلال مالیاتی به ایشان شده باشد کامپیوترهای این دفتر و پروندهای موجود در آن را با خود می‌برند و به اعتراض خانم عبادی توجهی نمی‌کنند.

فشار و اذیت و آزار این بانوی آزادیخواه ادامه می‌یابد و حدود یکصد و پنجاه نفر بنام دانشجویان بسیجی به خانه ایشان می‌برند و پس از ساعت‌ها شعار و توهین و تهدید دیوارهای خانه و کوچه را باشونشتن شعارهای تهدید آمیز پر می‌کنند و نیروی انتظامی که توسط خانم عبادی مطلع شده بود در محل حاضر می‌شود ولی ممانعتی بعمل نمی‌آورد. خانم عبادی جان خود را در خطر می‌بیند. صدها فر ندارد و غیر قانونیست و اگر سندیکائی چون کارگران شرکت واحد در مجامعت بین المللی بر سرمیت شناخته شده باشد از آزادی این مدنیت می‌باشد. مدارسانی که در نامه هایی به این نقض آشکار حقوق خانم عبادی اعتراض می‌کنند از سوی مدیران آن تحت سخت ترین پیگرد ها و محکومیت ها قرار می‌گیرند. اکنون مدها است که آقای اصلانلو رئیس هیئت مدیره این سندیکا به اتهام اقدام علیه امنیت کشور دوران

نقض حقوق بشر همچنان ادامه دارد

رسیدن به آزادی‌های فردی و اجتماعی آغاز راهیست که در آن دستیابی به دموکراسی و حاکمیت ملت امکان پذیر می‌شود از این‌رو است که بر قدرت نشستگان حاکم پیوسته در پی آنند که هرچه بیشتر آزادی هارا محدود و آزادیخواهان را به زنجیر کشند. روزی نیست که در رسانه‌ها خبرهایی از اخطر و احضار و محکومیت صاحبان اندیشه دیده و شنیده نشود. در یکماهی که گذشت فشار ماموران حکومت در محو آزادیها سیری صعودی داشته است.

جمههۀ ملی که برای بررسی امور درون سازمانی خویش خدمات تشکیل پلنوم (جمع فعالان) را تدارک دیده بود با ممانعت دستگاههای اطلاعاتی مواجه شد و خبراین برخورد در اکثر خبرگزاریها آمد و جهانیان دانستند حکومتی که از قدرت جهانی خود سخن می‌گوید و در توهم برخورداری از حمایت مردم است اجتماع محدودی را که بک سازمان شناخته شده ملی در خانه ای می‌خواهد برگزار کند تحمل نمی‌کند و دست به تهدید و تعطیل می‌زند. (جمههۀ ملی ایران بموجب اطلاعیه ای به نقض آزادی بیان و اجتماعات به شدت اعتراض نمود).

سندیکاهای اتحادیه‌های صنفی کارگران که برای کسب حقوق صنفی ایجاد شده است و میتواند جایی برای بیان خواسته‌های گروهی کارگران باشد از نظر حاکمیت رسمیت ندارد و غیر قانونیست و اگر سندیکائی چون کارگران شرکت واحد در مجامعت بین المللی بر سرمیت شناخته شده باشد از آزادی این مدنیت می‌باشد. مدارسانی که در نامه هایی به این نقض آشکار حقوق خانم عبادی اعتراض می‌کنند از سوی مدیران آن تحت سخت ترین پیگرد ها و محکومیت ها قرار می‌گیرند. اکنون مدها است که آقای اصلانلو رئیس هیئت مدیره این سندیکا به اتهام اقدام علیه امنیت کشور دوران

و با اسرائیل بگونه‌ای عمل کنند که هرگونه بانه و دستاویزی برای عملیات دلخواش و توحش آمیز گرفته شود. انتقام زاينده انتقام است و دور تسلسل هیچگاه کار جنگ و خونریزی را پایان نمی‌بخشد.

جمههۀ ملی ایران ضمیم تقبیح هرگونه خشونت، تروریسم و جنایت جنگی با خانواده‌های غیر نظامیان بی‌گناه کشته شده در فلسطین و اسرائیل احسان همدردی می‌کند و از همه کشورهای بی‌طرف و باورمند به حقوق بشر دعوت مینماید تا با حکوم ساختن این جنایات و فشار بر دولت درگیری برای پایان بخشیدن به این فاجعه یاری رسانند تا گروههای میانه رو در منطقه ابتکار عمل را بدست گیرند و روند صلح را بی‌جوبند و با توافق هایی اصولی و با ثبات و عمل به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل بیویژه قطعنامه شماره ۳۳۸ برای تشکیل دولت مستقل فلسطین، آرامش را به منطقه بازگرداند و جنگ طلبان را در رسیدن به اهدافشان ناکامیاب سازند.

**خشونت، تروریسم
وجنایت جنگی
محکوم است**

بودجه و اقتصاد ایران در چهارراه حوادث

فدا کرده است. پیش بینی درآمد نفت و گاز طبق برنامه چهارم سال اول ۱۳۸۴-۸۷ برابر ۱۴۳ میلیارد دلار بوده که عملادربافتهای به ۲۷۵ میلیارد دلار رسیده است. به عبارت دیگر اگر طبق برنامه چهارم عمل میشد در پایان سال ۱۳۸۷ می باشد موجودی حساب ذخیره ارزی به ۱۳۲ میلیارد دلار مرسید که حداقل برای ۵ سال و در صورت اعمال انطباط مالی دولت، میشد برای ده سال اقتصاد داخلی را در مقابل نوسانات بین المللی قیمت نفت بینم کرد.

راه حل مسئله ایراد سخنرانیهای آتشین درباره عدم تاثیر بحران اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران نیست که خارج از کشور مایه تسمی مطلعین شده است. راه حل بازنگری تک تک اقلام مخارج ارزی و ریالی در چهار سال اخیر است که از ۳۰۴/۲ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۸۳ حداقل به ۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۷ می رسید (بدون منظور کردن کسر بودجه). در همین چهار سال واردات سالانه حداقل ۲۰ میلیارد دلار پیشتر شده است و حساب موازن سرمایه پرداخت از ۲۳۸۸ میلیون دلار مثبت (روود سرمایه ها) در سال ۱۳۸۳ به ۱۲۳۷۵ میلیون دلار منفی (خروج سرمایه) در سال ۱۳۸۶ تبدیل شده است و تنها در ۳ ماهه اول سال جاری این حساب ۴۵۹۵ میلیون دلار منفی بوده است.

وابا ماریس جمهور آمریکا که در یک نیمز ورخانه داری اش می تواند ده میلیارد دلار اوراق قرضه بفروشد ولی در اثر سوء سیاست های دولت قبلی با وضع مشابهی روپر و خواهد بود اولین اولویت خود را بازنگری تک تک اقلام بودجه و هزینه های سال ۲۰۰۹ قرار داده است تا کمک کننگره از ولخرجی های دولت بوش جلوگیری کند و طرح هزار میلیارد دلاری کمک به اقتضاد را هدفمند و موثرتر اجرا نماید.

در ایران آیا بودجه ریزی بر اساس راضی کردن مراکز نفوذ و قدرت و ملاحظات سیاسی و انتخاباتی (و عده دادن بیانه نقدی، متعهد کردن دولت در سفرهای استانی،...) به مجلس و دولت اجازه میدهد که واقع بینانه بودجه ریزی کند و جلو بسیاری از عدم تعادل ها مخصوصاً تورم بی بندوبار کنونی را بگیرند؟!

دیگر بهانه بالارفتن قیمت های بین المللی نیز وجود ندارد. راضی نگاه داشتن عامه مردم از راه حذف عوامل تورم زا (رشد بودجه جاری دولت، آزادی عمل انحصارات، فقدان نظرلات و کنترل واقعی هزینه ها و ناکارآمدی سیستم توزیع) بسیار آسان تر و بادوام تر از پخش پولهای موردي است

مشکل دوم مدیریت کشور در سال آینده، راضی نگاه داشتن صدها مراکز هزینه افراد قدرتمند در مراکز بر نفوذی است که در سالهای اخیر از درآمد نفت سهم هزینه داشته اند. ردیف های بودجه و بندهای ذکر شده در زیر ردیف های آشکار و پنهان مخارج، نشان میدهد که دولت مشکل بسیار

سقوط بیش از ۱۰۰ دلاری قیمت نفت در ماههای پایانی سال ۲۰۰۸ بدليل اوج گیری رکود اقتصاد جهانی و ترکیدن حباب سفت به بازی بر روی نفت، در شرایط فراوانی و ارزانی تامین منابع مالی در چند سال اخیر، سیاست بازان و خوش خیلان دولتمرد شده در ممالک صاحب نفت را با مشکلات عظیم تصمیم گیری مواجه کرده است. از یک طرف ۳ برابر

شدن قیمت نفت در چهار سال همراه با فشار بر استخراج و صادرات، هرگونه ملاحظه مالی و احتیاط در خرج را در شرایط رواج بازی های سیاسی و انتخاباتی و یا پخش پول عمومی بین خود دولتمردان و یا افراد خانواده را غیر ضروری می ساخت و از طرف دیگر انتظار بازده بیشتر درآمدها، راه افتادن پروژه ها، ورود سرمایه های خارجی و امکان استفاده از اعتبارات خارجی، منتقدان را وادار به سکوت و دنباله روی می کرد.

در میان کشورهای صادرکننده نفت وضع کشور ما از همه بزرگی در نه گفتن به این مراکز و افراد قدرتمند و پرنفوذ خواهد داشت. مشکل سوم آزادگانه ای واردات و ظهور نیاز ارزی ۶۰-۷۰ میلیارد دلاری در سال برای واردات است که در سالهای اخیر ظاهرا برای کاستن فشارهای تورمی در داخل از سه راه فروش ارزی به هر مقدار، برچیدن مقررات حفاظتی و حمایتی از تولیدات داخلی (مثل ثبت سفارشی، اخذ و دفعه ثبت سفارش و...) و کاستن یا حذف تعرفه های صورت پذیرفته است. افزایش خارق العاده واردات در سالهای اخیر حیرت انگیز است و برای سال آینده پیش بینی واردات حدود ۴۸ میلیارد دلار شده است و این ارقام جدا از میزان واردات چاچان سالانه کالا است. مشکل چهارم ثابت نگاه داشتن نسبی نرخ ارز علیرغم نرخ تورم ۱۵ تا ۲۵ درصدی داخلی باز هم به خاطر جلوگیری از بالا رفتن پیشتر قیمت های داخلی (ناشی از بالا رفتن موجودی ارزی ناشی از بالاترین قیمت میداشتیم).

نیاز کشورهای عمد ه صادرکننده به قیمت نفت در سال آینده با توجه به سطح فعلی مخارج ارزی و بودجه ای آنها در مقایسه با ایران نشان میدهد و روش میکند که کشور ما حدوداً ۶۰ درصد پیش از سایر کشورهای صادرکننده نفت به قیمت بالای نفت وابسته است.

ادامه وابستگی بودجه عمومی به درآمد نفت در حدود ۷۰-۶۰ درصد سال های ۱۳۸۴-۸۷ بوده است هر چند در سال های اخیر برای نشان دادن کاهش وابستگی، قسمتی از درآمد نفت را به صورت مالیات در بودجه گنجانده اند و مالیات های غیر مستقیم (مالیات بر واردات به صورت حقوق گمرکی) نیز وابسته به درآمد نفت است.

مشکل چهارم بودجه وابسته است

مشکل چهارم ثابت نگاه داشتن نسبی نرخ ارز علیرغم تورم ۱۵ تا ۲۵ درصدی داخلی باز هم به خاطر جلوگیری از بالا رفتن پیشتر قیمت های داخلی (ناشی از بالا رفتن موجودی ارزی ناشی از بالاترین قیمت میداشتیم).

آغاز کشورهای عمد ه صادرکننده به قیمت نفت در سال آینده با توجه به سطح فعلی مخارج ارزی و بودجه ای آنها در مقایسه با ایران نشان میدهد و روش میکند که کشور ما حدوداً ۶۰ درصد پیش از سایر کشورهای صادرکننده نفت به قیمت بالای نفت وابسته است.

ادامه وابستگی بودجه عمومی به درآمد نفت در حدود ۷۰-۶۰ درصد سال های ۱۳۸۴-۸۷ بوده است هر چند در سال های اخیر برای نشان دادن کاهش وابستگی، قسمتی از درآمد نفت را به صورت مالیات در بودجه گنجانده اند و مالیات های غیر مستقیم (مالیات بر واردات به صورت حقوق گمرکی) نیز وابسته به درآمد نفت است.

واردات و رواج پیشتر جو تورمی) بوده است. به عبارت دیگر دولت به جای کنترل هزینه های جاری که عملت اصلی افزایش ۴۰-۳۰ درصدی نقدینگی و ایجاد فشارهای تورمی در کشور بوده است وظیفه کاستن فشارهای تورمی را به دوش واردات نرخ ارز انداخته است که در نتیجه پخش صنعت و صادرات را

معضل ترافیک با ضرب وزور حل نمیشود

بیش از یکماه است که در پرخی از مناطق تهران حضور گسترده نیروهای نظامی و انتظامی در حاشیه خیابان‌ها نمای یک شهر اشغال شده را در ذهن تداعی میکند. در این مناطق به فواصل کوتاه دو یا چند نفر نیروی مسلح ایستاده و به آمد و رفت مردم و اتومبیل‌ها نظارت میکنند. در محدوده این حضور چشم گیر نیروهای نظامی در معابر عمومی گفته میشود که این حضور پررنگ جهت ساماندهی امر ترافیک و اجرای مقررات راهنمائی و رانندگی مقرر گردیده است.

اگر این چیدن نیروهای ویژه در خیابان‌ها بمنظور ایجاد جور عرب و به اصلاح نسق گرفتن از مردم در این اوضاع و شرایط ناسامان گشونیست و اقاما قصد و منظور فقط رفع مشکلات ترافیکی میباشد که باید گفت معضل ترافیک با ضرب وزور حل نمیشود. ترافیک پایتخت که کم کم به سایر شهرهای بزرگ و کوچک گشونیزی را در کرده و صرف نظر از آنودگی هوا و عوارض سنگین ناشی از آن، هر روز میلیون‌ها ساعت از وقت مفید و کاری مردم را تلف نموده و میلیون‌ها لیر بنزین را به هر راده و میلیارد تا خسارت به بار میآورد. مسئله‌ای نیست که بازور و به توسط پلیس با توم به دست گره کور آن گشوده شود. برای حل کردن مسئله ترافیک باید برخورد علمی و کارشناسانه داشت و برنامه ریزی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را مدنظر قرارداد و هزینه‌های لازم را پرداخت نمود.

از قیاس اش خنده آمد خلق را....

چند روزی است که باز مطلب تازه‌ای از قول مقامات مسئول سر زبانها افتاده که شنیدنش تا سف برانگیز است. میگویند اگر برای از آن ساخت برای آن بود که افرادی مبتکر نفت به زیر پنج دلار هم سقوط نمایند ما چرخه‌ای مولد را به همان خوبی گذشته می‌گردانیم و خم به ابرونمی آوریم. یعنی از نظر ما پنج دلار مساویست با صد دلار وبالعکس ...

نماید این کلام را یک شوخی بیموقوع بادروغ سال بنامیم. گویا شرکن جگاکو که در اولین مراحل شناسائی راههای پیشرفت بسوی تمدن بوجود این طلای سیاه پی برد و بتدریج صدها فراورده سفید از آن ساخت برای آن بود که افرادی مبتکر در آغاز قرن بیست و یکم با کشف فرمول جدید ریاضی بگویند اگر بهر دلیل بهای نفت به بشکه‌ای چهار دلار هم تنزل نماید برای ما واقعه مهمی رخ نموده است و این اتفاق پشت مرا خم نمیکند. بیاد طنز طفیلی می‌افتیم که میگویند همیشه طبقاتی در هر محل و خیابان که نیاز به آنها حس میشود توسط شهرداریها احداث شود. باید با درنظر گرفتن تسهیلات و ویژه و مزایایی که توجیه اقتصادی فراهم نماید بخش خصوصی را به ساختن پارکینگ‌های طبقاتی تشویق و ترغیب نمود. باید از زیرگذرها و پل‌های هوایی بطور گسترده در تقاطع های بزرگ را پیش‌گیرد. باید بزرگ راه‌های جدید باطرح های زمان بندی شده معقول و نه با حرکت لاک پشت گونه احداث کرد. با ید درین بست هائی که با خرید و تخریب یک یادو پلاک ثبتی گشوده شده و خیابانی قابل عبورا بجای میگردد اقدام توسعه شهرداری های جام گیرد. باید نسبت به اجرای طرح هائی که مربوط به تعریض خیابان‌ها است و فعلاً به مرور زمان و تصمیم وارد مالکین مشمول طرح معلق مانده بصورت مثبت و با پیگیری برخورد شود. بایدین تعداد اتومبیل‌های جدید که به سطح محدود خیابانها روانه میکنند با تعداد اتومبیل‌های فرسوده که باید جمع آوری شوند تناسبی معقول برقرار گردد و مشکل

تولید و فروش کارخانه‌های موتناز اتومبیل به اشکال مقتضی دیگری از جمله تغییر خط تولید به ماشین‌های کشاورزی و ترابری که بسیار مرد نیا ز کشور ندخل گردد نه اینکه همچنان با تولید و ریختن روزافزون اتومبیل‌های سواری به خیابانها شهرها به معضل ترافیک بیفزایند. باید ساعت شروع و خاتمه کار مدارس، ادارات، واحدهای صنعتی، بانک‌ها و دیگر موسسات به نحوی تنظیم شود که شروع و خاتمه کار آنها مختلف و تدبیری باید تا عبور مرور در خیابان‌ها روان‌تر گردد. باید آموزش و تفہیم فرهنگ ترافیک به مجریان این امر و مردم مورد توجه و تأکید قرار گیرد. وکلام آخر اینکه نه مشکل ترافیک و نه سایر تکنگاهای متعدد مردم ایران بازور و قوه قدری به توسعه حاکمیتی که جز استفاده از وزور و سرکوب راهکاری نمی‌شنسد قابل حل شدن نیست. باید حاکمیت ملی و منبعث از مردم باشد تا به مردم فکر کند و بتواند مشکلات آنان را برطرف نماید.

در این حال و حوال اثر مستقیم بهای نفت در سرتاپی هزینه ها را از کار می‌کنیم که به کجا برسیم؟ آیا فقر پرستی در کنار تروت‌های کانی و ارزشمند از اتفاق آن دانسته و ندانسته واقعاً فخر و بزرگواری و مدیریت خوب نام دارد؟ و در صورت از دست رفتن فرصت‌ها و عدم همگامی شرافتمندانه با دنیا با تأسف بسیار نخواهیم گفت: پیش لیت تشهیه جان سپردیم به که گوییم، بر لب آب حیات تشنگی ام کشت .. خود را بدست خویشتن به هلاکت افکنند هیچ‌گاه شایسته تحسین نبوده است. بی مناسبت نیست در کار سخن جدی یک شوخی هم نثارخواننده بگنیم. شنیده ایم کار فرمائی شاگرد فعال، بازیگوش و یک‌نده‌ای داشت. این شاگرد گاهی موجبات عصبانیت استاد و تدبیر خود را فراهم می‌ساخت و سیلی و مشتی بعنوان تذکر دریافت می‌نمود و در پاسخ به این اها نت وزورگوئی ارباب هرچه بعنوان دستمزد گرفته بود میداد پنیر می‌خورد و می‌خورد و از اتفاقی ظلمی که به اورفته بود به خودش آفرین می‌فرستاد.

اما در مردم ادعای اداره مملکت و تامین زندگی مردم (به همان خوبی) که پیش از تزلیل بهای نفت جریان داشت، باید ابتداء معنای (خوبی) تحقق و توافقی بعمل آید و بعد از خود سوال نماییم آیا در دنیائی که وسایل و توقعات رفاهی در فاصله هفته و ماه دگرگون می‌شود برای ما تنفسی دود آسود و مسموم خودردن نانی با پنیر یا بدون پنیر برای اکثریت جامعه نهایت آرزو و کمال (خوبی) شمرده می‌شود



نشریه داخلی پیام جمهوری اسلامی ایران

باید

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail:hejmi85@yahoo.com